

## دوران جدید نقد

عطاالله رفیعی آتانی

---

فصلنامه کتاب نقد، اکنون در آستانه سومین دهه حیات خود قرار دارد؛ فصلنامه‌ای که نام آن یادآور یکی از نقاط عطف تاریخ تولید و ترویج معارف اسلامی است.

کتاب نقد، فرزند شرایطی بود که لیبرالیسم فرهنگی، از پس تجربه شکست خورده مارکسیسم، با ترویج نقد مبانی، نقش و کارکردهای دین - دینی که نخست مسیحیت بود و آن‌گاه همه ادیان را شامل شد - به وجود آورده بود. لیبرالیسم کوشید تا جامعیت اسلام تجلی یافته در قامت انقلاب اسلامی و فرهنگ و معارف انقلاب اسلامی را به چالش بکشاند.

بخشی از فهرست طولانی ابعاد این چالش عبارت‌اند از: محدودکردن دین در چارچوب زندگی اخلاقی فردی، شریعت‌زدایی از دین، تکثرگرایی و باور به بی‌شماری اعتقاد دینی درست، جدایی دین از سیاست، اقتصاد و همه عرصه‌های حیات اجتماعی، زمینی‌سازی همه معارف و مبانی آسمانی دین، حجیت

انحصاری تفسیر علمی از دین، تخریب همهٔ حدود مرزهای دینی با شمشیر تساهل و تسامح، تضییق دین برای حرمت‌گذاری به آزادی، تسلیم باقی‌مانده‌های دین در مقابل توسعه و دموکراسی لیبرال و...؛ البته پیداست که لیبرالیسم در این مبارزه بی‌امان، به توفیقاتی نیز دست یافت.

اما واقعیت آن است که انقلاب اسلامی در این عرصه نیز، همانند همهٔ عرصه‌های قبلی و بعدی مبارزه با غرب فرهنگی، به موفقیت‌های بیشتری دست یافته است. در این دوران، کتاب نقد توانست با نقد بنیان‌های فکری و فرآورده‌های غربی این شرایط، به بازتولید مبانی و معارف اسلامی برآمده از مجموعهٔ علوم اسلامی بپردازد. شاید بتوان کتاب نقد را در این دوران، طلایه‌دار رشد و بالندگی «کلام جدید اسلامی» به شمار آورد.

یکی از دلایل توفیق کتاب نقد، زمان‌شناسی و تنزیل و فرود معارف اسلامی در مشعر این روزگار بود. نظام اسلامی با دفاع جانانه در هشت سال جنگ تحمیلی، توانسته بود در مقابل همهٔ دسیسه‌های دشمن غربی از «موجودیت خود» نگهبانی کند؛ اما بلافاصله پس از پیروزی شگفت‌انگیز در مقابل جنگجویان غربی و شرقی، با یک پرسش و مسئلهٔ اصلی روبه‌رو شد و آن اینکه، اکنون برای ادارهٔ نظام، در عرصه‌های گوناگون زندگی بر اساس مبانی و معارف اسلامی، از چه امکانات نظری و عملی برخوردار است؟

با کالبدشکافی این پرسش اساسی بود که اندیشهٔ رقیب به یکباره رخ نمود: آیا می‌خواهید مسائل خود را با علم حل کنید یا با دین؟ این درحالی بود که نظام اسلامی به اندازهٔ قدرت نظری و عملی که در عرصهٔ پاسداری از «اساس نظام» از خود نشان داده بود، در مراحل بعد چنان‌که باید توانا ظاهر نشد.

غرب فرهنگی که از دروازه‌ها و مرزهای سرزمین اسلامی به بیرون رانده شده بود، این بار از پنجره برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و مدیریتی، در قالب برنامه‌های توسعه، الگوی بانک‌داری، نظام اداری و... در پوشش نظریه‌های علمی وارد شد. در این شرایط بود که پرسش‌های اساسی معرفت‌شناختی و دین‌شناختی از قبیل علم تا کجا؟ دین تا کجا؟ نیازمند پاسخ بودند؛ در این میان نظریه قبض و بسط شریعت که با هدف گسترش نقش علم و کاهش قلمرو دین ارائه گردید، یکی از پاسخ‌های طبیعی به ضرورت‌های این دوران بود.

کتاب نقد به درستی در بستر این ضرورت‌ها و نیازها به هدف دفاع منطقی از جامعیت و نمایاندن کارآمدی دین، متولد شده، رشد نمود، درخشید و جاوادانه شد.

و اما اکنون؛ کتاب نقد در راستای پایداری در همان صراط و برای تحقق همان اهداف، با درک زمانه و زمینه کنونی که متضمن پیشرفت نظام اسلامی است، در آستانه برداشتن گامی نوین است؛ اکنون ما در مرحله گام سوم تولید معارف انقلاب اسلامی قرار داریم: گام نخست، همه میراث علمی به جا مانده از پیشینیان بود.

گام دوم به واسطه بازتولید نظری و عملی امام کبیر انقلاب اسلامی، علامه طباطبایی و شاگردان آن دو حکیم بزرگ، به طراحی اساس نظام جمهوری اسلامی منجر گردید؛ و پس از پیروزی در جنگ، در فضای مبانی حکومت اسلامی (نظام اسلامی) در عرصه‌های فلسفی، دین‌پژوهی، کلام جدید و البته پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و... همچنان به روند تکاملی خود ادامه داد؛ اما اکنون گام سوم، با زعامت فکری رهبر حکیم

انقلاب اسلامی، تولید نظریه‌های علوم اجتماعی و انسانی با هدف مدیریت ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بر مبنای مذکور است که در حال شکل‌گیری است. بی‌تردید کتاب نقد با بررسی و نقد به معنای نمایاندن صحیح از سقیم و نه فقط به‌رخ کشیدن عیوب، به برداشتن پیروزمندانۀ این گام مساعدت خواهد نمود. نقد علوم انسانی در عرصه مبانی، نظریه‌ها، مدل‌ها و کاربردها با رویکردی اسلامی - که از این منظر رویکردهای اسلامی نیز خود، موضوع نقد کتاب نقد خواهند بود - فضای اصلی و غالب دوران جدید کتاب نقد را به خود اختصاص خواهد داد. براین اساس اصول زیر بر دوره جدید تولید و تدوین کتاب نقد حاکم خواهد بود:

۱. کتاب نقد یک مجله پژوهشی، همچون همه مجلات علمی و پژوهشی است که رسالت و رویکرد اصلی خود را «نقد» - اما در چارچوب مبانی و معارف اسلامی - می‌داند.

۲. مجموعه عظیم ذخایر مبانی و معارف اسلامی و به‌ویژه معارف انقلاب اسلامی، که به وجود آورنده و یا محصول انقلاب اسلامی است، سرمایه اساسی و اصلی کتاب نقد است.

۳. کتاب نقد در مسیر صیورورت مستمر تکاملی معارف اسلامی، با درک شرایط جدید و موجود به نقد مبانی، نظریه‌ها، مدل‌ها و کاربردهای علوم انسانی با رویکرد اسلامی می‌پردازد.

۴. کتاب نقد افزون‌بر قلمرو موضوع یادشده، به «موضوع نقد» در قلمرو مبانی، ماهیت، روش‌ها و اخلاق نقد، به عنوان یک مقدمه لازم در کار خود و نیز مفید برای همگان خواهد پرداخت.

برای تحقق اهداف این نشریه، شورای تحریریه کتاب نقد بر آن است تا در گام نخست، رویکردهای اصلی و اثرگذار قلمرو علم دینی و علوم انسانی را بر کرسی ترازوی نقد بنشانند. حُسن مطلع این گام به اندیشه‌های تابناک استاد علامه حضرت آیت‌الله جوادی آملی رحمته‌الله که به درستی یکی از سرآمدان این عرصه، با ارائه نظریه‌ای روشن و مشخص و اثرگذار هستند اختصاص یافته است؛ اکنون ما گام نخست را برداشته‌ایم و به مدد هدایت و الطاف الهی گام‌های دیگر را در مسیر اهداف تعیین شده بر خواهیم داشت؛ انشاءالله.